

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

به قلم استاد محسن مسرت
برگردان از: حمید بهشتی
۱۳ اگست ۲۰۱۸

چرا اروپا به امریکا بدهکار نیست

دونالد ترمپ از تکرار این که از متحدین امریکا در ناتو پرداخت سهم دو در صدی درآمد خالص ملی آنها را درخواست کند خسته نمی شود. به گفته او این که امریکا با پرداخت ۶۱۰ میلیارد دلار که ۳,۴ در صد از درآمد خالص ملی امریکاست امنیت متحدین خود را تأمین نماید قابل قبول نبوده و مالیات دهندگان امریکا نیز دیگر حاضر بدینکار نیستند.



فزون بر این متحدین امریکا در ناتو بدین خاطر به امریکائیان بدهکار اند.

ترمپ گذشته از اینگونه پرگویی ها انتظارات درونی سلطه گرانه امریکا را مطرح می نماید که ما اکنون اندکی بدان می پردازیم.

این امر واقعیت دارد که امریکا از همان آغاز تأسیس ناتو بخش قابل ملاحظه ای از

درآمد خالص ملی خود را بابت جنگ افزاری هزینه می نماید که هم برای سیستم های پرخرج هسته ئی است و هم برای تأمین بیش از ۸۰۰ پایگاه نظامی اش. البته تمامی دولت های امریکا پس از جنگ سرد از کسر نمودن تسلیحات هسته ئی خودداری نموده اند. یکی به خاطر این که امریکا بدون سفارشات خود به صنایع اسلحه سازی این کشور یکی از دلایل وجود خود را از دست می هد و دیگر این که امریکا بدون چتر محافظ هسته ئی خود، موقعیت کلیدی خویش در ناتو را از دست داده و مجبور خواهد بود از این وثیقه چشم پوشی نماید و دیگر نمی تواند جاپان و کشورهای اروپائی را که در عین حال رقیب امریکا نیز به حساب می آیند نسبت به خود وابسته نگاه دارد.

امریکا باید هزینه پایگاه های نظامی خود را که بخش بزرگی از آنها در خاورمیانه و نزدیک قرار دارند پرداخته و بدین وسیله مواد خام و نفت غرب را تأمین نماید. این بسته آمینی شامل بر الف – کنترل مستقیم بر منابع مواد خام توسط حمایت نظامی از کشورهای نفت خیز منطقه مانند عربستان سعودی نیز بوده و ب – در صورت لزوم می تواند در سرنگونی رژیم های مزاحم عمل نماید.

این حقیقت که امریکا از قریب به ۷۰ سال پیش در نزدیک به تمامی درگیری های جنگی خاورمیانه و نزدیک دخیل بوده است را می توان قابل قبول همگی دانست. اما این برداشت غالب که امریکا از این طریق تأمین نفت مصرفی خود را تثبیت می نماید با این آگاهی که این کشور از سالها پیش، ۸۰ درصد نیاز نفت خود را از امریکای جنوبی تأمین می نماید متعارض است.

برای درک نظامی گری امریکا در تأمین نفت، توجه به یک مقصود دیگر امریکا روشنگر است: تحریک و تنظیم توسعه اقتصاد جهانی توسط نفت ارزان خاورمیانه، به ویژه دهها سال کمک دائم به رشد اقتصادی کشورهای متحد ناتو در اروپا و جاپان. در نتیجه امریکا با برقراری این سیستم مصرف نفت را نه توسط تجارت آزاد بلکه با نفوذ سلطه گرانه خود کنترل و از این طریق متحدین خود را به گروگان های سیاست امنیتی خویش تبدیل نموده است. لذا این ایراد کنونی ترمپ که اروپا با ایجاد لوله های نفت در بحیره شمال، خود را به روسیه وابسته می نماید نیز در تأیید این برداشت است.

البته برای امریکا دلیل مهمتری نیز برای نظامی گری در تأمین نفت مصداق دارد: تجارت جهانی نفت بر مبنای دالر حداقل از زمان در هم ریختن سیستم برتن - وود (Bretton-Woods-System) در سال ۱۹۷۲ عملاً جایگزین ارز جهانی مبنی بر طلا گشته است. لذا تجارت نفت بر مبنای دالر تقریباً از نیم قرن پیش موجب تثبیت دالر است.



این بدان دلیل است که ثروتمندان جهان که شامل بر جاپان و اروپائیان می باشد سرمایه اضامی خود را با قرضه های ملی امریکا تعویض نموده و بدین ترتیب به تعدیل بیلان هزینه و تثبیت ارزی کشوری خدمت می نمایند که از قریب به ۳۰ سال پیش کارنامه مالی آن دچار کمبود است. این که بانک مرکزی امریکا اوراق قرضه ملی را با دالر کاغذی تعویض می نماید و بدین وسیله بحران دالر را به اقتصاد جهانی تزریق می نماید دیگر برای کسی پنهان نیست.

بنابراین متحدین امریکا در ناتو با خرید اوراق قرضه ملی امریکا مؤدبانه هر ساله تا آخرین دینار و شاهی را برای امنیت هسته ئی کذائی و نیز تأمین انرژی خود پرداخت می نمایند. به همین دلیل آنها خلاف آنچه ترمپ مدعی است به امریکا هیچ بدهکار نیستند.

البته برای این سیستم امنیتی، دنیا باید مبالغ هنگفتی را هزینه نماید: جنگ های بی شمار، میلیون ها کشته، خرابی فراوان و میلیونها آواره. در این حساب پروژه های به جای مانده انسانی از جمله کاستن تسلیحات هسته ئی، ایجاد نظام تجارت آزادی که با تسلیحات و جنگ های کمتری همراه باشد و نیز افزایش هزینه نمودن برای توسعه اکولوژی و حفظ محیط زیست بی توجه باقی می مانند.

منبع:

روزنامه فرانکفورتر روندشاو، ۷ اگست ۲۰۱۸